

متن پیاده سازی شده جلسه هفتم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 28 مهر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که کلام ایروانی را ما نقل کردیم؛ و ایشان معتقد بود که دو روایت مخصوصاً روایت ابن حنظله صحیح است و می تواند اثبات حجیت شهرت در فتوا را بکند به طوری که فقیه به آن استناد کند و فتوا بدهد. در مقابل این اندیشه، مرحوم شیخ و مرحوم آخوند بودند که می فرمودند این دو روایت قابلیت اثبات شهرت در فتوا نمی کنند. اما امروز کلام نائینی در این باره مطرح می شود.

کلام نائینی

جناب نائینی شهرت را سه قسم می کند:

1: شهرت روایی 2: شهرت عملی 3: شهرت فتوایی

سپس هر کدام از اینها را توضیح می دهد و ویژگی این ها را بیان می کند؛ ایشان شهرت روایی را اینگونه تفسیر می کند: هرگاه روایتی در متون گذشتگان (بزرگان حدیث از شیعه حتی قبل از کتب اربعه) به وفور از طرق متفاوت نقل شده باشد چنین روایتی از شهرت روایی برخوردار است؛ خاصیت این شهرت این است که از این شهرت در ترجیح (خبری که حاوی شهرت روایی است) در تعارض اخبار قابل استفاده است؛ مقبوله ابن حنظله، نظر به شهرت روایی دارد. نکته: ایشان معتقد است بحث در شهرت فتوایی است و مقبوله ربطی به شهرت فتوایی ندارد.

اما شهرت عملی: ایشان می فرماید ما یک فتوای مشهور داشته باشیم و یک روایت مشهور و استناد مشهور به آن روایت باشد؛ به نظر مرحوم نائینی شهرت عملی با حضور سه عنصر محقق می شود.

1: فتوا مشهور باشد 2: روایتی هم در مساله باشد که به آن استناد شده باشد 3: به روایت عمل شود.

آیا شهرت مستند به یک روایت محل بحث هست یا نه؟ مرحوم نائینی می فرماید این هم محل بحث ما نیست.

خاصیت این شهرت (عملی) این است که جابر ضعف روایت است یعنی اگر روایت ضعف سند یا دلالت دارد جبران می شود. نکته: ایشان به مناسبت نکته ای را بیان می کند؛ چنین شهرتی کاسر هم هست یعنی اگر روایتی خلاف این شهرت شد می توانیم بگوییم ظهور این روایت شکسته می شود؛ البته این شهرت باید در بین فقهای نزدیک به عصر معصوم علیه السلام باشد مانند (کلینی، صدوق، مفید و....) اما شهرت در بین علمای بعدی فایده ای ندارد.

استاد: معمولاً شیخ طوسی به بعد را متاخرین می نامند و لذا شهرت بین اینها به درد نمی خورد.

شهرت در فتوا: همانطور که از اسمش پیداست شهرت در فتوا است نه در روایت؛ در شهرت عملی سه عنصر وجود داشت اما در شهرت در فتوا این عنصر وجود ندارد (استناد به روایت محرز نیست)

حال سوال این است که آیا این شهرت می تواند حجت باشد یا نه؟ می تواند جابر باشد یا نه؟ پاسخ می دهیم نمی تواند جابر باشد.

سوال: نهی النبی عن بیع الغرر سند ندارد الصلاة لا تترك بحال سند ندارد و.... اما فقهاء به این روایت عمل کرده اند؛ وقتی استناد ندارد چطور می خواهد جابر باشد؟

ما می گوئیم استناد علما معلوم نیست به سند باشد شاید از طریق دیگر این روایات را پذیرفته اند.

نکته: ما می توانیم بگوییم اعراض مشهور از روایت قادح و کاسر است و نمی شود شهرت فقهاء را نادیده گرفت. اینکه گفته شود فقها حواسشان نبوده و دقت نکرده اند صحیح نمی باشد چرا که قاطبه فقها که بی توجهی نمی کنند.

محل بحث جایی است که یک فتوای مشهوری باشد اما نمی دانیم روایتی بر وفقش هست یا نه آیا نسبت این سه شهرت عام و خاص مطلق است یا من وجه است و یا ... این را بروید و خودتان مراجعه کنید. نکته: توجه کنید که اینها از جهت منطقی نسبتشان مفهوماً قطعاً تباین است و در مصداق اینها متفاوت اند.

قسمت دوم کلام نائینی

باید ببینیم روایت مقبوله و روایت زراره آیا به درد بحث ما می خورد یا نه؟

نائینی می فرماید: اینکه برخی از تعلیل (فان المجمع علیه لاریب فیه) این روایت (ابن حنظله) استفاده کرده و شهرت در فتوا را اثبات کرده اند درست نمی باشد چرا که این تعلیل مثبت مدعا نمی باشد.

چرا که مراد امام علیه السلام از تعلیل، اگر اجماع اصطلاحی باشد این به درد ما نمی خورد و لذا ما باید مراد از مجمع علیه را شهرت بگیریم تا به درد ما بخورد؛ حال اگر این طور فرض کنیم آیا می شود گفت فان المشهور لاریب فیه؟ این که لازمه اش کذب می شود چرا که ما نمی توانیم بگوییم علی الاطلاق شهرت لا ریب فیه است؛ باید بگوییم نظر امام علیه السلام لا ریب فیه نسبی است چنانکه می گوئیم فتوای مشهور نسبت به غیر مشهور لا ریب فیه نسبی است.

حال که این طور شد ما دیگر نمی توانیم تعلیل را کبرای کلی فرض کنیم که شامل روایت و فتوا شود چرا که وقتی دو روایت داریم که یکی مشهور است و دیگری غیر مشهور امام علیه السلام می فرماید آقای ابن حنظله بین این دو روایت، مشهور را اخذ کن نه اینکه بفرمایند مطلقاً مشهور را در همه جا اخذ کن؛ و اینکه بگوییم مشهور مطلقاً در همه جا بر غیر مشهور مقدم است این توالی فاسده دارد و لذا ناچاریم در این مقبوله بگوییم که این فقط شهرت در بین دو روایت را می گوید.

و الحمد لله رب العالمین